



Investigating the role of First Constitutional newspapers in the defeat of the uprising (emphasis on the four newspapers of Sur Esrafil, Mosawat, Rooh al-Quds, and Habal al-Matin)

Mahdi Zare^{1*} | Hojatollah Izadi Dastanaei² | Majid Nejat Poor³

Abstract

The formation and victory of the constitutional movement, along with all the social and political changes in the Iranian society, left many effects in the field of journalism. At that time, using the created political open space, journalists opened their pens to express and sometimes crossed the cultural red lines in the minds of the Iranian society. Criticizing the foundations of the identity of Iranian society, criticizing the characteristics and cultural indicators of Iranian society, fueling social and political insecurity, in the first place caused the distance of leaders like Sheikh Fazlullah Nouri, and after that made the people to keep distance from the intellectuals and even the members of parliament. Distancing people and leaders more and more than anything had a direct and destructive effect on the movement and left that defenseless. In the present article, an attempt has been made to analyze the content published in the first constitutional newspapers (emphasis on the four newspapers of Sur Esrafil, Mosawat, Rooh al-Quds, and Habal al-Matin) with a pathological look at their role in people's disillusionment with the continuation of the uprising. For this purpose, the content analysis method has been used and after reviewing the texts published by these newspapers in the first years of the constitution, the number and frequency of their critical content has been calculated and the ratio of this content to the total published content has been checked

Keywords: Newspaper, Mosawat, Sur-e-Esrafil, Ruhol Al Quds , Habl Al-Matin, Constitutional

1. Department of historical study zare.geology@gmail.com
2. Assistant Professor, History of the Revolution, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran.
3. High teacher, History of the Revolution, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بررسی نقش روزنامه‌های صدر مشروطه در شکست قیام (با تأکید بر چهار روزنامه حبل‌المتین، مساوات، صور اسرافیل و روح القدس)

مهدی زارع^{۱*} | حجت‌الله ایزدی دستنائی^۲ | مجید نجات‌پور^۳

چکیده

شکل‌گیری و پیروزی نهضت مشروطه در کنار همه‌ی تغییرات اجتماعی و سیاسی در جامعه‌ی ایرانی، تأثیرات فراوانی در حوزه‌ی روزنامه‌نگاری برجای گذاشت. روزنامه‌نگاران در این برهه با استفاده از فضای باز سیاسی ایجادشده، قلم به نقد صریح و گاهی غیرمنطقی موضوعاتی گشودند که در ذهن جامعه ایرانی جزو خطوط قرمز محسوب می‌شد. در نوشتار حاضر تلاش شده است با نگاهی آسیب‌شناسانه به محتوای منتشر شده در روزنامه‌های مشروطه‌ی اول (تأکید بر روزنامه‌های صور اسرافیل، مساوات، روح‌القدس و حبل‌المتین) نقش آن‌ها در سرخوردگی مردم از ادامه‌ی قیام بررسی شود. لذا سوال اصلی این پژوهش آن است که این روزنامه‌ها چه نقشی در به ثمر نرسیدن قیام مشروطه داشته‌اند؟ در این پژوهش فرض بر این است که روزنامه صدر مشروطه بانقد میانی هویتی جامعه ایرانی زمینه سرخوردگی مردم از ادامه‌ی قیام را ایجاد کرده‌اند. هدف اصلی پژوهش آسیب‌شناسی عملکرد مطبوعات مطرح در صدر مشروطه است و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بجز حبل‌المتین که رویکردی معتدل اتخاذ کرده است، سه روزنامه دیگر در ایجاد این سرخوردگی در مردم نقش جدی داشته‌اند. برای این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است و پس از بررسی متون منتشرشده توسط این روزنامه‌ها در سال‌های مشروطه‌ی اول، تعداد و فراوانی مطالب منتقدانه‌ی آن‌ها محاسبه و نسبت این محتوا به کل محتوای منتشرشده بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: روزنامه، مساوات، صور اسرافیل، روح‌القدس، حبل‌المتین، مشروطیت.

۱. نویسنده مسئول: گروه مطالعات تاریخ انقلاب اسلامی، دانشکده مطالعات اجتماعی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، مشهد،

zare.geology@gmail.com

ایران

۲. استادیار، تاریخ انقلاب، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

۳. مدرس و پژوهشگر، تاریخ انقلاب، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

۱. مقدمه و بیان مسئله

به‌طور کلی در یک جامعه‌ی توسعه‌یافته، رسانه‌ها نقشی میان‌طبقه‌ای بازی می‌کنند. رسالت اصلی رسانه‌ها در حقیقت تبدیل اندیشه‌ی رهبران جامعه به زبانی همه‌فهم و انتشار این اندیشه‌ها در بین طبقات زیرین اجتماعی و همچنین جریان‌سازی است. از همین طریق، رسانه زمینه را برای توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی توأمان با توسعه‌ی سیاسی، علمی یا اقتصادی فراهم می‌کند. اما روشنفکری ایرانی به‌جای ایفا کردن نقشی راهبرانه در کشور در جایگاه بدنه‌ی جامعه‌ی غربی و دنباله‌رو ظاهر شد. «از اول مشروطیت که در جامعه‌ی ما روشنفکری به وجود آمد، بیمار به وجود آمد.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۱) دو بیماری اصلی مشخصه‌ی چنین جریان روشنفکری بود؛ «بی‌اعتنایی به ایرانی‌گری و بی‌اعتنایی به اسلام.» (خامنه‌ای، ۱۳۵۹)

یکی از مظاهر این بیماری روزنامه‌نگاری و به‌طور کلی ژورنالیسم بود. «رسانه‌ها به‌طور عمومی می‌توانند با نوع‌گرایش‌های فرهنگی و رعایت سیاست‌های وحدت‌بخش در تولید محتوا، وحدت حقیقی را تقویت یا خدای ناکرده با بی‌توجهی آن را تضعیف کنند.» (زورق، ۱۳۹۲) آن‌ها از همین طریق برساخت‌های ذهنی را می‌سازند و از همین رهگذر زمینه را برای وحدت یا تفرقه فراهم می‌کنند. «رسانه‌های همگانی به صورت بلندگوی غول‌پیکری درآمده‌اند که از قدرتشان برای یکسان کردن تصاویری که از مناطق، اقوام، قبایل و زبان‌های گوناگون سرچشمه می‌گیرد و در بستر ذهنیت جامعه جریان می‌یابد استفاده می‌کنند.» (تافلر، ۱۹۸۰) حتی اگر این تصاویر هیچ نفعی به حال منافع عمومی جامعه نداشته باشد.

از همین منظر است که باید گفت رسانه و به‌طور ویژه روزنامه‌ها گاهی دچار کارکردی می‌شود. یکی از این موقعیت‌ها دوره‌ی مشروطه است. روزنامه‌ها در این دوره نقش جدی در پیروزی قیام مشروطه داشتند و با عملکرد صحیح توانستند ارتباط خوبی بین رهبران قیام و توده‌ی ملت برقرار کنند. همچنین روزنامه‌ها در این دوره توانستند جامعه‌ی ایرانی را با ادبیات سیاسی به‌روز آشنا کنند. عباراتی مانند مشروطه، قانون، آزادی، مجلس، دموکراسی، ترقی، تجدد و ... واژه‌هایی بودند که توده ملت تا قبل از جدی شدن قیام چندان آشنایی با آن‌ها نداشتند اما در بحبوحه‌ی به‌ثمر نشستن مشروطه به واژه‌هایی همه‌گیر و عمومی تبدیل شدند.

با وجود این پس از به ثمر نشستن قیام و تشکیل نهاد تقنین برای اولین بار در ایران، روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران مسیری متفاوت در پیش گرفتند. اولاً «به‌جای پرداختن به مباحثی که مصالح ملی در آن ملحوظ واقع شود، سرگرم فحاشی و گرفتن حق‌السکوت بودند. کمتر کسی بود که به دنبال احقاق حقی باشد.» (آبادیان، ۱۳۸۳) حمله به مقدسات و شخصیت‌های مرجع مذهبی، تحقیر آحاد جامعه‌ی ایرانی، نادیده گرفتن ویژگی‌های هویتی جامعه‌ی ایرانی، حمله مستقیم به دربار و انتشار نقدهای ساختارشکنانه علیه شخص شاه، غرب‌گرایی مفرط، توهین به گروه‌های سیاسی و دامن زدن به ناامنی‌های اجتماعی دلایلی بود که در مدت کوتاهی به ترویج هرج‌ومرج دامن زد. مجد الاسلام کرمانی هنگامی که دلایل انحطاط مجلس را فهرست می‌کند یکی از این دلایل را تندروری برخی روزنامه‌ها می‌داند و ضمن اشاره به اینکه خودش مالکیت چهار روزنامه را بر عهده داشته است، می‌گوید «صوراسرافیل همیشه به پادشاه استهزا می‌کرد و روزنامه‌ی مساوات پادشاه را به نوشیدن باده و سایر قبایح و شنایع نسبت می‌داد... مخفی نماند که غرض رفقای من تهنید اخلاق نوع ملت نبوده بلکه ابداً متوجه به وطن و اهل وطن نبودند.» (مجد الاسلام کرمانی، ۱۳۵۱) با رویه‌ای که این روزنامه‌ها در پیش گرفتند نه تنها توسعه‌ی فرهنگی متناسب با نظام جدید در ایران شکل نگرفت، که آنچه آن‌ها منتشر می‌کردند از اساس نوعی نقض غرض محسوب شده و بهانه‌ای به دست نهاد اصلی قدرت داد تا بتواند مجلس نوپای مشروطه را سرنگون، شخصیت‌های اصلی آن را تبعید و روزنامه‌نگاران را اعدام کند.

هدف نوشتار حاضر آن است تا ضمن بازخوانی آنچه در قالب روزنامه‌های دوره‌ی مشروطه (با تکیه بر صوراسرافیل، مساوات، جبل‌المتین و روح‌القدس) منتشر می‌شده، به نقش مخرب این نشریات در نهضت نیز بپردازد. این روزنامه‌ها از آن جهت انتخاب شده که تقریباً همه مورخان این دوره این چهار روزنامه را مهم‌ترین روزنامه‌های صدر مشروطه می‌دانند، همچنین چهره‌های اصلی روزنامه‌نگاری مانند علی‌اکبر دهخدا، صوراسرافیل، تقی‌زاده، طالبوف و ملک‌خان مطالب خود را در این روزنامه‌ها منتشر می‌کرده‌اند.

برای این پژوهش روش تحلیل محتوا انتخاب شده و تلاش شده است با بررسی تولیدات رسانه‌ای این نشریات الگوی نسبتاً مطلوبی از نقش آفرینی آن‌ها در جامعه‌ی ایرانی ارائه شود.

برای این منظور پس از بررسی شرایط اجتماعی سیاسی ایران در آستانه‌ی مشروطه، تمامی نسخه‌های منتشر شده توسط سه روزنامه «صور اسرافیل»، «مساوات»، «روح القدس» بین سال‌های مشروطه اول (۱۲۸۴ شمسی تا ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ شمسی) و همچنین ۲۵ شماره از روزنامه حبل‌المتین به روش رند بررسی شده است. در ادامه محتوای منتقدانه این روزنامه‌ها دسته‌بندی شده و از میان آن‌ها مواردی که به هر نحو در مقایسه با باورهای موجود در جامعه به‌نوعی ساختارشکن و تابو محسوب می‌شدند پالایش و مورد بررسی قرار گرفته و تحلیل محتوا شده است.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی مطبوعات فعال در عصر مشروطه توسط جامعه‌ی پژوهشی عموماً با نگاهی مثبت و تمجیدگونه همراه بوده است. هادی خانیکی در مقاله «ساختار مشروطه و نسبت آن با ساخت مطبوعات»، مهدی رفعتی پناه مهرآبادی و کریم سلیمانی دهکردی در مقاله «بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه»، هما زنجانی‌زاده و علی باغدار دلگشا در مقاله «بررسی جامعه‌شناختی روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه»، علی ناظمیان فر و علی باغدار دلگشا در مقاله «جامعه‌شناختی گفتگوهای خیالی در مطبوعات عصر قاجار»، مریم عفاری جاهد در «ادبیات سیاسی عصر مشروطه»، حسن زندیه و حسینعلی قربانی در «جریان شناسی تطبیقی مطبوعات دینی - در دوره مشروطه و پهلوی اول»، رامین رسول‌اف در مقاله «روح القدس، انتقادی‌ترین روزنامه»، میرهادی حسینی در «طنزپردازان مشروطه‌خواه: معماران تاریخ ایران جدید»، قدیر نجف‌زاده شوکی، حسین مفتخری و سعید موسوی سیانی در مقاله «گفتمان اصلاح معرفت دینی در عصر مشروطه (مطالعه موردی: روزنامه حبل‌المتین تهران)» تنها بخشی از محققینی هستند که در پژوهش‌های خود تنها نکات مثبت و فواید روزنامه‌های صدر مشروطه را دیده‌اند. در بین کتب موجود و بی‌شمار تألیف شده درباره‌ی حوادث و اتفاقات دوره‌ی مشروطه‌ی اول هم هیچ کتاب مستقلی با نگاه انتقادی و آسیب‌شناسانه درباره‌ی فعالیت روزنامه‌های این دوره تألیف و منتشر نشده است.

همین رویه در مقالات هم حاکم است و قریب به اتفاق مقالات تنها به نقش مثبت مطبوعات در سال‌های منتهی به مشروطه و دوره‌ی اول پرداخته‌اند. باوجوداین در چند مورد معدود محققان در

لا به لای آثارشان نگاه آسیب شناسانه نیز به مطبوعات این دوره داشته‌اند. یکی از این تولیدات مقاله «بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه» نوشته مهدی رفعتی پناه مهرآبادی و کریم سلیمانی دهکردی است. مؤلفین در این مقاله نگاهی به کاستی‌های این مطبوعات در تعریف مفهوم آزادی داشته‌اند. محمدجعفر محمدزاده نیز در مقاله‌ای با موضوع «افراط و تفریط در مطبوعات دوره مشروطه» نگاهی صرفاً زبان شناسانه به آنچه در این دوره منتشر می‌شده داشته است. محمدزاده اگرچه سرفصل‌های مناسبی برای مقاله‌اش انتخاب کرده اما در پرداختن به آن‌ها تلاش چندانی به عمل نیاورده است.

۳. نوآوری پژوهش

در پژوهش حاضر تلاش کرده‌ایم هم‌زمان با نگاه به نقش مهم روزنامه‌ها در سال‌های منتهی به مشروطه و دوره‌ی اول مشروطه، به‌طور ویژه کژکار کردی و نقش آن‌ها در رادیکال شدن فضای سیاسی این سال‌ها را بررسی کنیم. اقدامی که از این منظر اتفاقی جدید محسوب می‌شود. دومین نوآوری پژوهش حاضر متمرکز شدن بر چهار روزنامه‌ی اصلی این دوره و بررسی عمقی آن‌ها است؛ اتفاقی که تاکنون رخ نداده است.

مهم‌ترین نتیجه‌ای که از بازخوانی نقش مخرب روزنامه‌ها در تداوم نهضت مشروطه می‌توان به دست آورد، آشنایی با نحوه‌ی فعالیت رسانه‌ها در بزنگاه‌های تاریخی حرکت‌های اجتماعی در جامعه‌ی ایرانی است. آنچه در مشروطه رخ داد و به رادیکال شدن فضای اجتماعی سیاسی جامعه دامن زد در دیگر برهه‌های تاریخی کشور هم رخ داده است. اتفاقی که در سال‌های ابتدایی انقلاب در نتیجه‌ی فعالیت‌های ارگان‌های مطبوعاتی نزدیک به منافقین و همچنین در سال‌های دولت دوم اصلاحات در نتیجه فعالیت روزنامه‌های زنجیره‌ای نزدیک به روشن فکران غربی رخ داد.

بنابراین در پژوهش حاضر تلاش است، با نگاهی انتقادی نقش رسانه‌ها در عدم تداوم نهضت مشروطه بررسی شود.

۴. روش‌شناسی پژوهش

برای این تحقیق روش تحلیل محتوای کمی انتخاب شده و تلاش شده است با بررسی تولیدات رسانه‌ای این نشریات ابعاد نقش مخرب این نشریات در نهضت ارائه شود. تحلیل محتوا یک روش پژوهشی است که برای بررسی مکاتبات ثبت شده استفاده می‌گردد. برای انجام روش تحلیل محتوا، داده‌ها از مجموعه‌ی متون کتبی، شفاهی یا بصری به طور سیستماتیک جمع‌آوری شده و سپس بررسی می‌شود. تحلیل محتوا به دو نوع کمی (متمرکز بر شمارش و اندازه‌گیری) و کیفی (متمرکز بر تفسیر و درک) می‌باشد. در این دو نوع کلمات، موضوعات و مفاهیم درون متن طبقه‌بندی و سپس نتایج تحلیل می‌گردند.

برای این منظور پس از بررسی شرایط اجتماعی سیاسی ایران در آستانه‌ی مشروطه، تمامی نسخه‌های منتشرشده توسط سه روزنامه «صوراسرافیل»، «مساوات»، «روح‌القدس» بین سال‌های مشروطه اول (۲۱ آذر ۱۲۸۴ شمسی تا ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ شمسی) و همچنین ۲۵ شماره از روزنامه‌ی حبل‌المتین که به روش رند از بین ۹۰ شماره‌ی منتشرشده در این دوره انتخاب شده، بررسی شده است. در ادامه محتوای این روزنامه‌ها دسته‌بندی شده و از میان آن‌ها مواردی که به هر نحو در مقایسه با باورهای موجود در جامعه به‌نوعی ساختارشکن و تابو محسوب می‌شدند پالایش و موردبررسی قرار گرفته و تحلیل محتوا شده است. همچنین در پاره‌ای موارد واکنش‌هایی که این مطالب در جامعه ایجاد کرده است احصاء و ذکر شده است.

۵. جمع‌آوری داده‌ها

هر چهار روزنامه‌ی موردبررسی در دوره‌ی صدر مشروطه، به صورت هفتگی (حبل‌المتین کلکته در روزهای دوشنبه، صوراسرافیل روزهای پنج‌شنبه، مساوات روزهای یکشنبه و روح‌القدس عموماً روزهای دوشنبه) منتشر می‌شده‌اند. این دوره از فعالیت مطبوعات ایران که بااعلام حکومت مشروطه آغاز و با کودتای باغشاه به‌طور موقت پایان یافت، از حساس‌ترین و شگرف‌ترین دوره‌های تاریخ مطبوعات کشور به‌شمار می‌آید. به‌طور کلی پس از مطالعه، این روزنامه‌ها و ساختار محتوایی آن‌ها را می‌توان به شکل زیر معرفی کرد.

۶. روزنامه‌ی جبل‌المتین

در آستانه‌ی پیروزی قیام مشروطه، جبل‌المتین یکی از روزنامه‌های قدیمی محسوب می‌شد. مدیریت جبل‌المتین بر عهده‌ی سیدجلال‌الدین کاشانی، متخلص به «ادیب» و ملقب به «مؤید الاسلام» بود. انتشار این روزنامه حاصل مکاتباتی بود که میان سیدجمال در اروپا، میرزا ملکم خان سفیر ایران در لندن و مؤید الاسلام در کلکته روی داد، «این سه نفر معتقد شدند که ایرانیان احتیاج شدید به انقلاب فکری دارند و جراید بهترین وسیله برای رسیدن به این هدف می‌باشند.» (صدرهاشمی، ۱۳۲۹)

پس از پیروزی مشروطه، جبل‌المتین در تهران هم چاپ خودش را شروع کرد. در این پژوهش اما ۲۵ شماره از مجموع ۹۰ شماره روزنامه‌ی جبل‌المتین کلکته که در دوره مشروطه‌ی اول منتشر شده است به روش تصادفی انتخاب و بررسی شده است. تاریخ انتشار اولین شماره‌ی بررسی شده ۱۰ رمضان ۱۳۲۴ و آخرین شماره اول جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ است.

مطالعه‌ی موردی مطالب روزنامه جبل‌المتین نشان می‌دهد که در مجموع ۲۵ شماره حدود ۴۰۰ مطلب منتشر کرده است. از این تعداد کمی بیشتر از یک‌سوم مطالب (۱۱۵ مطلب) را می‌توان در قالب سرمقالات، مقالات یا یادداشت‌های تحلیلی، دسته‌بندی کرد.

به‌طور کلی جبل‌المتین در روزهای آغاز مشروطه نسبت به جریان‌ات داخلی که در پیروزی مشروطه نقش داشتند، رویکردی حمایتی توأم با ارائه پیشنهادهاى مختلف در پیش گرفته است. اما پس از چندی جهت محتوای جبل‌المتین از حمایتی و ارائه‌ی پیشنهاد به سمت انتقادی و گاهی تخریب (پس از شروع به کار امین‌السلطان) پیش می‌رود.

در بین مطالب تحلیلی، مقالات و یادداشت‌های تحلیلی در حوزه‌ی سیاسی با ۶۳ درصد، بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند. پس از موضوعات سیاسی، مطالب حوزه‌ی اجتماعی (۱۸ درصد) و فرهنگی (۱۱ درصد) در رتبه‌ی بعدی قرار می‌گیرند. همچنین نوک فعالیت‌های تحلیلی جبل‌المتین بیش از هر چیز به ترتیب به سمت مجلس، ۲۰ مورد (۲۵ درصد) مردم، ۱۸ مورد (۲۳ درصد) بوده است. رویکرد جبل‌المتین در غالب موارد نسبت به مجلس حمایتی توأم با ارائه‌ی پیشنهاد است، دولت نیز عموماً مورد انتقاد جبل‌المتین است. در مقابل مردم، رویکرد جبل‌المتین از

انتشار مطالبی در ستایش فعالیت‌های انقلابی مردم تا تحقیر کردن آن‌ها در موضوعات مربوط به تجدد متغیر است. در بین اشخاص و شخصیت‌ها هم شاه، مشیرالدوله و شیخ فضل‌الله هر کدام به ترتیب با ۴، ۳ و ۲ مورد بیش از دیگر شخصیت‌ها مورد توجه حبل‌المتین بوده‌اند. اما در رویکرد پرداخت، مؤید الاسلام نسبت به پادشاه نگاهی حمایتی (به جز در یک مورد)، نسبت به مشیرالدوله نگاهی تمجیدگرایانه و نسبت به شیخ فضل‌الله نگاهی کاملاً منتقدانه و حتی توهین‌آمیز دارد. (نمودار ۱)

۷. روزنامه‌ی صوراسرافیل

«سه نفر از جوانان مشروطه‌خواه و آزادمردان واقعی، میرزا جهانگیرخان، میرزا قاسم خان و میرزا علی‌اکبر خان قزوینی (دهخدا) دست برادری به هم دادند و روزنامه‌ی صوراسرافیل را تأسیس کردند» (ملک‌زاده، ۱۳۸۳) مجد الاسلام کرمانی در کتاب «تاریخ انحطاط مجلس» اما می‌گوید: «حاجی ملک مجبور شد [۵۰۰ تومان] مال الشراکه‌ی خود را [از روزنامه‌ی مجلس] دریافت داشته، فسخ شرکت کند و به خیال ایجاد روزنامه‌ی مخصوص افتاد و به زودی به ایجاد روزنامه‌ی صوراسرافیل موفق شد و بعد از اندک مدتی روزنامه‌ی مساوات را دایر کرد و عمده مقصود ملک این بود که اعمال شاه را انتقاد کند تا قلوب عامه را از او برنجانند» (مجد الاسلام کرمانی، ۱۳۵۱) این نظر مجد الاسلام از آنجا که ملک‌المتکلمین را از روزگار جوانی می‌شناخته است درخور اهمیت است.

مطالعه‌ی موردی مطالب روزنامه صوراسرافیل نشان می‌دهد که این روزنامه در مجموع ۳۲ شماره حدود ۲۶۰ مطلب منتشر کرده است. از این تعداد حدود یک‌سوم مطالب (۸۴ مطلب) را می‌توان در قالب مقالات یا یادداشت‌های تحلیلی دسته‌بندی کرد که برخلاف حبل‌المتین عموماً رویکرد انتقادی دارند. لازم است ذکر شود، در هر شماره، مقاله‌ای که تعداد واژه‌های بیشتری داشته و مقدم بر دیگر مطالب منتشر می‌شده به عنوان سرمقاله، مقاله کوتاه‌تر که در ادامه می‌آمده است به عنوان مقاله و مطالب تحلیلی که حجم آن‌ها از دو یا سه ستون بیشتر نمی‌شده است را در ردیف یادداشت‌ها محاسبه کرده‌ایم. در صوراسرافیل از یادداشت‌های وارده خبری نیست و مکاتیب عموماً در دسته‌ی خبرها و خبرهای مشروح قرار گرفته، جزو مطالب تحلیلی ملحوظ نشده

است. مرور مطالب تحلیلی منتشرشده توسط این روزنامه نشان می‌دهد که سه چهارم (۷۵ درصد) آن‌ها رویکرد انتقادی دارند. ۱۴ درصد از مطالب، روشنگرانه هستند (مقاله‌ی دهخدا درباره‌ی آزادی یا مقاله‌ای با موضوع شفاعت و حدود آن را می‌توان جزو همین دسته برشمرد). ۱۱ درصد از مطالب تحلیلی هم حمایتی تنظیم شده و نسبت به افراد یا نهادها یا موضوعات رویکرد مدافعانه گرفته‌اند (سرمقاله‌ی صوراسرافیل در دفاع از سرمقاله‌ی آزادی هم جزو همین دسته است).

در بررسی موضوعات انتخاب شده از سوی نویسندگان صوراسرافیل هم نتایج زیر قابل احصا است: در بین مطالب تحلیلی، مقالات و یادداشت‌های تحلیلی در حوزه‌ی سیاسی با ۵۱ مورد (۴۱ درصد)، بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند. پس از موضوعات سیاسی، مطالب اجتماعی و اقتصادی هر کدام به ترتیب با ۱۶ مورد (۲۰ درصد) و ۱۳ مورد (۱۶ درصد) در رتبه‌ی بعدی قرار می‌گیرند. همچنین نوک فعالیت انتقادی صوراسرافیل بیش از هر چیز به ترتیب به سمت دولت، ۲۵ مورد (۲۷ درصد) و روحانیون (اعم از شیخ فضل الله، سید علی یزدی و دیگر علمای وقت)، ۲۲ مورد (۲۳ درصد) و مردم، ۲۱ مورد (۲۲ درصد) بوده است. در بین اشخاص و شخصیت‌ها هم پادشاه با ۱۱ درصد و شیخ فضل الله نوری با ۵ درصد بیش از دیگر شخصیت‌ها مورد انتقاد نرم و سخت صوراسرافیل بوده‌اند. (نمودار ۲) انتقادات علیه این دو نفر گاهی به دشنام هم رسیده است. به عنوان نمونه صوراسرافیل در یکی از مطالب خود، شیخ فضل الله را «خر نوری» خطاب می‌کند یا در مطلبی دیگر (مقاله‌ی ایران غیرمنصرف است) به او «شیخ ناری» می‌گوید.

۸. روزنامه‌ی مساوات

ملک‌زاده فرزند ملک المتکلمین در «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران» می‌نویسد: «سید محمدرضا مساوات مردی بود فطرتاً آزادی‌خواه، انقلابی، بی‌پاک، شجاع، باشهامت، باگذشت، تندخو، جسور و یکی از برگزیدگان و مؤسسين انقلاب مشروطیت ایران است.» (ملک‌زاده، ۱۳۸۳)

ملک‌زاده همچنین روزنامه‌ی مساوات را یکی از سه «نامه‌ی انقلابی» می‌داند که «به واسطه اهمیت‌ی که در تحول اوضاع و تأثیری که در افکار داشت، حقاً باید آن‌ها را در مقام بالاتری قرار داد.» (این روزنامه در سیاست، مشروطه‌خواه افراطی و لیبرال بوده است) (براون، ۱۳۴۱) با وجود این مجد الاسلام این روزنامه را در کنار صوراسرافیل بخشی از پروژه‌ی ضد سلطنت ملک‌المتکلمین

می‌داند. به عقیده‌ی آدمیت هم مساوات در کنار صوراسرافیل و روح‌القدس «به درجات و جهه‌ی نظر جبهه‌ی افراطی را منعکس می‌داشتند... [بجز صوراسرافیل آن دو دیگر] کم‌مایه و هنرشان درشت‌گویی و ناهنجار نویسی است.» (آدمیت، ۱۳۷۰).

مطالعه‌ی موردی مطالب روزنامه‌ی مساوات نشان می‌دهد که این روزنامه در مجموع ۲۵ شماره کمی بیش از ۱۷۰ مطلب منتشر کرده است. از این تعداد بیش از یک‌سوم مطالب (۶۲ مطلب) را می‌توان در قالب مقالات یا یادداشت‌های تحلیلی دارند، دسته‌بندی کرد. در مساوات مانند آنچه در جبل‌المتین یا صوراسرافیل شاهد هستیم، خبری از سرمقاله نیست. مطالب ابتدایی عموماً در حد مقالات هستند و همان‌ها هم عموماً از سطح چندان بالایی برخوردار نیستند.

جالب آنکه در مطالب تحلیلی مساوات هم مانند صوراسرافیل، رویکرد انتقادی (۸۴ درصد) بر دیگر رویکردها می‌چربد و جالب‌تر آنکه هرچند این روزنامه هم در اولین شماره‌اش مدعی شده است بنا دارد برای «بیداری ملت» بنویسد اما مطالب روشنگرانه کمترین حجم مطالب تحلیلی (۵ درصد) آن را به خود اختصاص می‌دهد. اما چنانچه خواسته باشیم موضوعات انتخاب‌شده از سوی نویسندگان مساوات را بررسی کنیم نتیجه به شکل زیر رقم می‌خورد: از مجموع ۶۲ مطلب تحلیلی، ۳۶ مورد (۵۸ درصد) مطالب در حوزه‌ی سیاسی نوشته شده‌اند. پس از موضوعات سیاسی، مطالب اجتماعی و اقتصادی به ترتیب هر کدام با ۲۰ درصد و ۱۹ درصد در رتبه‌ی بعدی هستند.

همچنین نوک فعالیت انتقادی مساوات به ترتیب به سمت شاه، ۱۸ مورد (۲۶ درصد) دولت، ۱۶ مورد (۲۳ درصد) و مردم، ۱۲ مورد (۱۷ درصد) بوده است.

۹. روزنامه‌ی روح‌القدس

«این نامه‌ی انقلابی را سلطان‌العلمای خراسانی معروف به روح‌القدس منتشر می‌نمود.» این تعریفی است که ملک‌زاده در کتاب تاریخ انقلاب مشروطیت از روزنامه‌ی روح‌القدس ارائه داده و آن را در کنار مساوات و صوراسرافیل، سومین روزنامه‌ی انقلابی دانسته است. روح‌القدس هم از همان روز اول به مخالفت با شاه، دولت و شیخ‌فضل‌الله پرداخت.

مطالعه‌ی موردی مطالب روزنامه‌ی روح‌القدس نشان می‌دهد که سلطان‌العلماء در ۲۸ شماره بیش از ۱۳۰ مطلب منتشر کرده است. از این تعداد بیشتر از نیمی از مطالب (۷۰ مطلب) را می‌توان در قالب مقالات یا یادداشت‌های تحلیلی که عموماً رویکرد انتقادی دارند، دسته‌بندی کرد. در این بین همانند دو روزنامه‌ی مساوات و صوراسرافیل، میزان مطالب انتقادی در روح‌القدس هم با ۹۱ درصد بیش از دیگر مطالب است و می‌توان این روزنامه را هم مثل دو روزنامه‌ی دیگر هم گروهی‌اش اساساً انتقادی دانست. در بین مطالب تحلیلی، مقالات و یادداشت‌های تحلیلی در حوزه‌ی سیاسی با ۳۹ مورد (۶۷ درصد)، بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند. پس از موضوعات سیاسی، مطالب در حوزه‌ی اجتماعی و مذهبی هر کدام به ترتیب با ۱۸ مورد (۳۱ درصد) و یک مورد (۲ درصد) در رتبه‌ی بعدی قرار می‌گیرند. همچنین مرور مقالات و یادداشت‌های روح‌القدس نشان می‌دهد نوک فعالیت انتقادی آن به سمت شاه، مردم و دولت هر کدام با ۱۳ مورد (۲۳ درصد) بوده است. در بین اشخاص و شخصیت‌ها هم پادشاه با ۲۳ درصد و شیخ فضل‌الله نوری با ۷ درصد، بیش از دیگر شخصیت‌ها مورد انتقاد نرم و سخت روح‌القدس بوده‌اند. برعکس مساوات، روح‌القدس در انتقاد از مجلس چندان پرکار نبوده است. (نمودار ۴)

۱۰. تحلیل یافته‌های پژوهش

در پایان مطالعه‌ی چهار روزنامه‌ی مورد تحقیق (حبل‌المتین، صوراسرافیل، مساوات و روح‌القدس) می‌توان گفت بخش اصلی محتوایی این چهار روزنامه در سرمقالات و مقاله‌هایی است که منتشر کرده‌اند. هر چند اخبار ولایات و سرحدات، نامه‌ها و مکتوبات رسیده به اداره‌ی (دفتر) روزنامه و همچنین برخی شیرین‌کاری‌های متنی منتشر شده در روزنامه هم جذابیت مع‌تنهایی برای خوانندگان دارد. به‌ویژه ستون چرند و پرند صوراسرافیل بسیار مورد توجه عموم بوده است. زبان ساده و بی‌تکلف هر چهار روزنامه که حتی در تحلیلی‌ترین مقالات هم استفاده شده، زمینه را برای ارتباط بهتر با مخاطب فراهم کرده است. علاوه بر این نثر صریح چهار روزنامه که به دوراز هرگونه تملقی (به استثنای برخی مطالب حبل‌المتین) به روایت ماجراها می‌پردازد همراهی مخاطب را برای روزنامه به ارمغان آورده است.

اما در کنار این ویژگی‌های مثبت نمی‌توان از نتایج منفی و آثار زیان‌باری که در نتیجه‌ی فعالیت این روزنامه‌ها (به‌ویژه روزنامه‌های صوراسرافیل، مساوات و روح‌القدس) در جامعه به وجود آمد، چشم پوشید.

اگر انقلاب مشروطه را در افق «توسعه‌ی سیاسی جامعه‌ی ایرانی» مدنظر قرار دهیم، این حرکت زمانی می‌توانست پایدار باقی بماند و قوام پیدا کند که حداقل به «توسعه‌ی فرهنگی» و «توسعه‌ی اقتصادی» منجر شود. اما نه تنها هیچ کدام از دو توسعه‌ی اخیر رخ نداد بلکه به دلیل عملکرد افراطی روشنفکران، عملاً همان مقدمات توسعه‌ی سیاسی که به توسط شیخ فضل‌الله در همراه کردن مراجع نجف و علمای ولایات فراهم شده بود، هم از بین رفت.

مقولاتی مانند حریت (آزادی)، مساوات و ترقی، پس از آنکه در قالب مفاهیم سیاسی توانستند منشأ اثر شده و نهضت را به پیروزی برسانند، به دلیل قرائت ضد هویتی که از آنها شد، نتوانستند وارد حوزه‌ی اندیشه و فرهنگ جامعه‌ی ایرانی که جامعه‌ای اساساً دینی بود شوند. مطرح شدن این عبارات برای عموم آن‌هم با رنگ و بوی غربی، در شرایطی که روزنامه‌ها به مهم‌ترین ابزار انتقال مفاهیم تبدیل شده بودند، و ناگزیر اقتضائات روزنامه‌نگاری بر آن‌ها حاکم بود، در کنه خود به واکنش جناح متدین جامعه منجر و آن‌ها را از مجلس مشروطه روی گردان کرد. در این بین روزنامه‌های موردبررسی (حبل‌المتین، صوراسرافیل، مساوات و روح‌القدس) هم نه تنها تلاشی برای فراهم‌سازی زمینه‌ی مباحثات عمیق درباره‌ی این مقولات را فراهم نکردند، بلکه با اتخاذ مواضعی متناقض با جامعه ایران در تنور حوادث دمیدند. در مجموع می‌توان درباره‌ی علل و نتایج فعالیت این روزنامه‌ها موارد زیر را برشمرد:

۱-۱۱. غرب‌گرایی

می‌توان اولین ویژگی عمده ضد هویتی در روزنامه‌های موردبررسی را «غرب‌گرایی مفرط» دانست. بارها و بارها تطهیر و تقدیس غرب به‌ویژه فرانسه و انگلیس در روزنامه‌های مورد بررسی خودنمایی می‌کند. روح‌القدس حتی در همان شماره اول رؤیای خود را روزی تعریف می‌کند که «سایر دول [و در اینجا منظور دولی است که صاحب دموکراسی شده‌اند]، ما اهالی ایران را در زمره‌ی وحشیان محسوب ندارند و ما را هم چون خودشان در شمار متمدنان بشمارند.» (روح‌القدس، شماره‌ی اول، صفحه‌ی ۱)

به‌طور کلی نگاه به غرب در این روزنامه‌های مورد بررسی را می‌توان در دو دسته اصلی ردیابی کرد.

اولین نگاه، نگاهی ابزاری و تاکتیکی به غرب است. به‌عنوان نمونه روح‌القدس در اولین شماره‌ی خود، ضمن تمجید از علوم روز، مقاله‌ای با عنوان «حفظ الصحه» درباره‌ی لزوم توجه به علوم روز می‌نویسد: «امروزه که این ملت نجیب ایران یک جنبشی نموده و اندک حسی پیدا کرده بر عهده‌ی عالمین مملکت است که آن‌ها را علاوه بر رشته پلتیک و سیاسی اندکی هم به علوم و صنایع آشنا کنند تا رفته‌رفته این علوم و صنایع هم در مملکت ما رونق گرفته و از پرتو آن علوم، صاحب ثروتی که اصل ترقی و حقیقت پیشرفت است بشویم و البته همه می‌دانند که همین علم و ثروت است که اسباب مزیت و برتری از برای تمام ممالک متمدنه عالم شده [است]» (روزنامه‌ی روح‌القدس، شماره‌ی اول، صفحه‌ی ۳) حبل‌المتین هم در شماره‌ی ۱۵ و ۱۶ از سال پانزدهم خود وجه دیگری از این نگاه ابزارگرایانه به غرب را نشان می‌دهد و در دو مقاله متوالی با عنوان «سپاه آلمان، قابل تقلید ایرانیان» ساختار و عملکرد «قشون آلمان» را تشریح کرده و از دولت ایران می‌خواهد ارتشی شبیه آنچه در آلمان هست ایجاد کند.

دومین نگاه به غرب، نوعی نگاه شبه ایدئولوژیک است. این نگاه که توسط روشنفکران ایرانی دنبال می‌شد و از قضا مظاهر آن در روزنامه‌های مورد بررسی هم به وفور دیده می‌شود، علت اصلی پیشرفت و تمدن در غرب را در فلسفه‌ی سیاسی حاکم بر غرب می‌داند. مساوات در شماره ۱۶ خود طی مقاله «مجلس مسلک لازم دارد» می‌نویسد: «نمایندگان ما کودک‌وار به آواز دول زنده که عمر پارلمان‌شان نسبت به ایران همان نسبت پدر و فرزندی است گوش داده تا آنچه شنیده مانند (فونگراف) ضبط و همان را به ملت باز پس دهد.» (روزنامه‌ی مساوات، شماره‌ی ۱۶، صفحه‌ی ۱) اما بدون شک اوج این غرب‌گرایی روشنفکران خودش را در سرمقاله‌ی شماره‌ی ۱۲ صوراسرافیل نشان می‌دهد. آنجا که میرزا علی اکبر خان دهخدا بعد از تقریر پاره‌ای آیات قرآن می‌نویسد: «فقط واگذاردن انسان را به خود او برای پیروی طریق ترقی خود و یافتن راه کمال نفس کافی است. تنها خواهشی که از هر رئیس روحانی و جسمانی باید کرد این است که، بعد از این لازم نیست نه به زور چوب، نه با استدلال، و نه به تازیانه‌ی طریقت، کمال منتظره‌ی ما را به ما معرفی نماید. شما فقط اجازه بدهید که ما در تمیز و تشخیص کمال خودمان بشخصه مختار

باشیم!» (روزنامه‌ی صوراسرافیل، شماره‌ی ۱۲، صفحه‌ی ۲) این جملات که علیرغم شکل دینی و التقاطی‌شان حتی توسط عموم مردم قابل درک بود و با همه‌ی آنچه آن‌ها می‌دانستند مخالف بود، در تعارض مستقیم با اصل «امر به معروف و نهی از منکر» ارزیابی شد و باعث شد تا برخی مجتهدین تراز اول داخل کشور مثل شیخ فضل‌الله نسبت به فعالیت این جریان مواضع آشکار و تند بگیرند و از آنجا که این جریان در مجلس هم سرریز می‌کرد درصدد اصلاح فرایند قانون‌گذاری برآیند. شیخ فضل‌الله در یوم سه‌شنبه ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ در «روزنامه‌ی زاویه‌ی مقدسه» صراحتاً این گروه را «طبیعی‌ی فرنگی مشرب که لامذهب و منکر اسلام و دشمن دین حنیف» هستند نامیده و عنوان می‌کند که تنها دشمنی او با همین افراد و همین تفکر است. (رضوانی، ۱۳۶۲)

البته شیخ بسیار پیش‌از این مقالات پی به ماهیت غرب‌گرایی ایدئولوژیک و افراطی شده بود و در تاریخ هفتم ربیع‌الاول سال ۱۳۲۵ شیخ فضل‌الله نوری پیشنهادی برای افزودن بر متمم قانون اساسی داده بود که آن را به «خط خود نوشت و در بین مردم منتشر ساخت». (ترکمان، ۱۳۶۲)

از بین روزنامه‌های موردبررسی، صوراسرافیل در غرب‌گرایی ید طولاتری داشته و به‌ویژه نگاه ایدئولوژیک پررنگ‌تری نسبت به این پهنه‌ی اندیشه‌ای دارد. مساوات را می‌توان در رده‌ی بعدی این دسته دانست. روح‌القدس نسبت به دو روزنامه‌ی دیگر گرایش ایدئولوژیک کمتری نسبت به غرب دارد که با توجه به سطح دانش و روحیات سلطان‌العلمای این منتهای فهم او از غرب است. اما جبل‌المتین را باید جزو آن‌هایی دانست که در دسته‌ی اول غرب‌گرایان، نگاه‌ابزاری به غرب دارند جا دارد.

۲-۱۱. ضدیت با شاه

از بین چهار روزنامه‌ی مورد مطالعه مدیران حداقل سه روزنامه‌ی (صوراسرافیل، مساوات و روح‌القدس) از اساس مخالف سلطنت بوده و با شاه (ابتدا مظفرالدین شاه و در ادامه محمدعلی شاه) ضدیتی مبنایی داشته‌اند. این بغض از شاه بر عملکرد حرفه‌ای این روزنامه‌نگاران هم تأثیر گذاشت و باعث شد آن‌ها حتی مشروطیت را هم فدای مبارزه علیه شاه کنند. به‌عنوان نمونه سالار الدوله که در ایام مشروطیت رقیب محمدعلی شاه به شمار می‌رفت ولی با افراطی‌ترین جناح مشروطه‌خواهان در بدنام ساختن شاه همکاری داشت، مقالاتی به‌روزنامه‌های مزبور می‌داد تا چاپ کنند. روزنامه‌ی روح‌القدس این مقالات را به نام مدیر آن یعنی سلطان‌العلمای خراسانی چاپ

می‌کرد. ظاهراً سالار الدوله «برای درج این مقالات در روزنامه‌ی روح‌القدس، پنجاه تومان به سلطان‌العلمای خراسانی مدیر روزنامه پول می‌داد.» (کمره‌ای، ۱۳۸۲) «روزنامه‌ی مساوات به قلم سید محمدرضای شیرازی هم در نوبت خود نسبت به شاه و درباریان هتاک‌ی بی‌ثمیری را ادامه می‌داد. مدیر آن می‌خواست از این راه وجاهت تحصیل کند.» (مستوفی، ۱۳۲۴)

این عناد خودش را در ماجرای سوء‌قصد به جان شاه بیش‌ازپیش نشان داد. هر چهار روزنامه‌ی مزبور به جای محکوم کردن حداقل اصل ترور انسان‌ها، شرایط را با اقدامات خود بحرانی‌تر کردند. روح‌القدس هم طی مقاله‌ای با تیتیر «مرآت حقیقت‌نما یا کاشف حقیقت‌ما» در شماره ۲۶ از شاه و بقیه‌ی سران مستبدین با عنوان «فرعون‌های این آب‌و‌خاک» یاد کرد. مساوات در شماره‌ی ۲۵ طی مقاله‌ی شدیداللحنی علیه شاه با عنوان «صبح سعادت و وطن را شام نحوست رسید» نوشت «الحق او را فرزند حلال‌زاده‌ی ایران نتوان شمرد و از ایرانی‌ت بی‌بهره و نصیص باید دانست» (روزنامه‌ی مساوات، شماره‌ی ۲۵، صفحه‌ی ۴).

در مجموع روزنامه‌های هفتگی انتقادی [مشخصاً صوراسرافیل، روح‌القدس و مساوات] که زبان حال آزرندگان از مظالم استبداد دیرین و دلباختگان آزادی مطلق در زیر سایه‌ی حمایت حکومت ملی بودند، «پرده شرم و ملاحظه از میان برداشتند و آنچه را که اگر بر زبان و قلم نمی‌آوردند، امکان برقراری ارتباط میان دربار و مجلس و نزدیک ساختن دو طرف به یکدیگر میسرتر می‌بود، بر صفحه‌های خود نگاشتند.» (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶)

۳-۱۱. مخالفت با قانون و بی‌توجهی به آن

همه‌ی آنچه در مشروطه اتفاق افتاد برای اقامه قانون بود. چه در ابتدای امر که مطالبه‌ی عمومی برپاشدن عدالتخانه بود و چه پس‌ازآنکه حرکت به سمت ایجاد حکومت مشروطه منحرف شد، دغدغه‌ی اصلی رهبران اقامه، اجرا و پاسداری از قانون بود. مساوات در شماره‌ی ۱۶ می‌نویسد: «خیانت به ملت عبارت از تمرد قانون آن ملت است. هرکس از قانون سرکشی‌گزید، بلاشک، خائن ملت، مخرب مملکت، هادم قومیت بشمار می‌آید.» (روزنامه‌ی مساوات، شماره‌ی ۱۶، صفحه‌ی ۲) صوراسرافیل در شماره‌ی ۱۵ پس‌ازآنکه یک دوره به حکم مجلس توقیف شده، این توقیف را در حکم قانون شمرده و می‌نویسد: «همان‌طور که کتیباً و تلگرافاً خدمت همه معروض داشته‌ایم، چون حکم از مجلس مقدس شورا صادر شده بود و امر مجلس عجالتاً در حکم قانون

است، مخالفت با آن با تقوای دوره‌ی آزادی مابینت دارد و حب قانون و وطن راهی برای تشبثات مخالفانه نمی‌گذارد.» (روزنامه‌ی صوراسرافیل، شماره‌ی ۱۵، صفحه‌ی ۱) دیگر روزنامه‌های مطرح آن دوره هم اینچنین نگاهی به قانون داشتند. اما آیا همین روزنامه‌ها و حامیان آن‌ها در بزنگاه واقعی تاریخ به قانون پایبند بودند؟ در این هنگام به بحث آزادی مطبوعات در قانون اساسی اشاره شده بود اما تفصیل آن هنوز مشخص نشده بود و هیچ‌کس حتی خود روزنامه‌نگاران نمی‌دانست که این آزادی چه مرزهایی دارد. مهدی قلی هدایت درباره‌اش می‌نویسد: «یکی از قوانین که بسیار دردسر داشت و حق آن ادا نشد، قانون روزنامه و مطبوعات بود. متنفذین مجلس زبان را آزاد می‌خواستند ولو یاوه‌گویی و هرزه‌سرایي؛ و این به مصلحت نبود. مثل این است که دیوانه‌ای سنگی در چاه می‌اندازد که هزار عاقل نمی‌توانند درآورند. روزنامه‌ها بسیار از این سنگ‌ها در چاه انداختند و در انداختن آوازه، جبران برخی مضرات را نمی‌کرد.» (هدایت، ۱۳۶۳)

از دیگر موارد بی‌تفاوتی و حتی تمسخر قانون در این روزنامه‌ها، واکنش تند آن‌ها به تصویب قانون مطبوعات است. مساوات «که خود را اول مروج مشروطیت» جلوه داده بود و مشروطه‌خواهان ساده‌لوح زمان به جان خریدارش بودند وقتی که قانون انطباعات از مجلس شورای ملی و صحه پادشاه گذشت، یک نمره‌ی روزنامه خود را سرتاپا وقف و صرف استهزای آن قانون نمود. «مسلم است که مشروطه‌خواه هرگز به قانون موضوع استهزا نمی‌کند و لکن چون دید این قانون از هتاکي و هرزه‌درآيي آن جلوگیری است این بود که بی‌اختیار مرتکب آن اقدام جسورانه گردید و یکی از جهات ثلاثه انحطاط مجلس همین مطلب [بی‌توجهی به قانون] شد.» (مجد الاسلام کرمانی، ۱۳۵۱)

۴-۱۱. دوقطبی کاذب «مستبد» و «مجلس‌خواه»

یکی از اتفاقاتی که در نتیجه‌ی فعالیت تندروها و رسانه‌های وابسته به آن‌ها در جامعه‌ی صدر مشروطه رخ داد، ایجاد فضای دوقطبی بود. در نتیجه تعریف این روزنامه‌ها هر ایرانی در آن زمان یا باید طرفدار مجلس و مشروطه‌ای که آن‌ها تعریف می‌کردند می‌بود یا اینکه مستبد خوانده می‌شد و معلوم بود که دوستدار ظلم است. این دوقطبی که شکافی عمیق در جامعه ایجاد کرده بود کار را به جایی رساند که وحشت از مستبد خوانده شدن در جامعه از نیازهای اساسی مردم همه‌گیرتر شده بود. شیخ فضل‌الله نوری ریزبینه‌انه متوجه این رویکرد شده و در یکی از لوایح خود گفت: «چنین

ارائه می‌دهند که علما دو فرقه شدند و باهم حرف دینی دارند و به اشتباه کاری، عوام بیچاره را فریب می‌دهند که یک فرقه مجلس خواه و دشمن استبدادند و یک دسته ضد مجلس و دوست استبدادند. لابد عوام بیچاره می‌گویند، حق با آنهاست که ظلم و استبداد را نمی‌خواهند. افسوس که این اشتباه را به هر زبان و به هر بیان می‌خواهیم رفع شود، خصم بی‌انصاف نمی‌گذارد.» (رضوانی، ۱۳۶۲)

مجد الاسلام هم به این نکته توجه داشته است و در تاریخ انحطاط مجلس از دو قسطی ایجاد شده شکایت کرده می‌گوید: «هر بیچاره‌ای که در ادای آنچه [تندروها] خواسته بودند کوتاهی می‌کرد فوراً او را مستبد می‌خواندند و این کلمه‌ی منحوسه مثل صاعقه اثر داشت، آن بیچاره منفور تمام ملت می‌شد، حتی زن و بچه‌اش هم از او بیزار می‌شدند.» (مجد الاسلام کرمانی، ۱۳۵۱) به مجرد آنکه یک نفر یا یک روزنامه‌نگار یا یکی از اعضای انجمن‌ها می‌گفت یا می‌نوشت فلان شخص مستبد است، عموم مردم آن را مانند وحی منزل می‌دانستند و قلم نسخ و ابطال بر دفتر عمر یک نفر بیچاره می‌کشیدند.

۵-۱۱. توهین به مردم و فرهنگ مذهبی آنها

توهین و تحقیر مردم جزو مشخصات روشی هر چهار روزنامه‌ی مورد مطالعه بوده است. این توهین و تحقیر تا آنجاست که اساساً به امری عادی تبدیل شده و دیگر کسی نسبت به این ادبیات سخیف علیه مردم موضعی اتخاذ نمی‌کرده است. منفی بودن در این دوره تبدیل به یکی از ارزش‌های خبری شده و در نتیجه تعداد خبرهای مثبت و امیدآفرین در هر روزنامه به ندرت به تعداد انگشتان یک دست می‌رسد. روزنامه‌ها مردم را با صفاتی همچون خواب‌زده، غافل، جاهل، خرافاتی، افتاده در گوشه جهان، تنبل، دهن‌بینی، مرده، میت و دیگر عباراتی این چنین توصیف می‌کنند و در استفاده از این گونه صفات هیچ صرفه‌جویی به خرج نمی‌دهند. مساوات در دومین شماره خود، ملت ایران را ملتی در خواب معرفی می‌کند که خوابشان «طبیعی نیست» تا به «فریادهای طبیعی» بیدار و هشیار شوند، او معتقد است ایرانیان «خواب‌بند» شده‌اند به علم «هاپنوتیزم» و باید آنها را با «جن‌گیر و خواب‌بندهای قزوین» بیدار کرد. (روزنامه‌ی مساوات، شماره‌ی ۲، صفحه‌ی ۷) صوراسرافیل در شماره‌ی ۲۳ در توصیف ملت ایران چنین می‌نویسد: «باید گفت ایرانیان از فرط

تنبلی و تن آسایی، گویا هیچ وقت صراط مستقیم نیمایند و ترقی علو مقام خویش را مایل نیستند» (صوراسرافیل، شماره ۲۳، صفحه ۴)

دامنه‌ی این تخریب‌ها گاهی از این هم فراتر رفته و حتی باورهای مذهبی مردم را هم شامل می‌شود. به عنوان نمونه صوراسرافیل در شماره ۱۶ در مقاله‌ای عملاً باور به شفاعت را به سخره می‌گیرد و ادعا می‌کند فقط آن شفاعتی درست است که خودش به آن معتقد است. این نقدهای اجتماعی حس تحقیر و سرخوردگی را در مردم تقویت و عمیق‌تر می‌کرد. در مجموع هر چهار روزنامه‌ی مورد مطالعه ملت ایران را ملتی مرده می‌دانند که تنها در صورتی جزو ملل «حیه» محسوب خواهند شد که بتوانند زمینه را برای فراهم کردن آنچه این چهار روزنامه پیشنهاد می‌دهند آماده کنند و این پیشنهاد چیزی نیست به جز اینکه جامعه‌ی ایرانی در حد اعلای ممکن به «ملل متمدنه» شبیه شوند.

۶-۱۱. فهم مبهم آزادی

به تحقیق می‌توان گفت که هیچ‌یک از مفاهیم در مشروطه به اندازه «حریت» و «مساوات» جنجال نیافریده است. با وجود این در بین چهار روزنامه‌ی مورد مطالعه تنها صوراسرافیل در شماره ۱۲ خود تعریفی دست‌وپاشکسته از آزادی ارائه می‌دهد: «آزادی رفتار نمودن انسان است در تمام امور مشروعه‌ی خود به نحو دلخواه. آیا سرحدی برای این رفتار دلخواه هست؟ سرحد این رفتار دلخواه تنها آزادی دیگران است.» (روزنامه‌ی صوراسرافیل، شماره ۱۲، صفحه ۲) این یک جمله که تعریفی کاملاً لیبرالیستی از آزادی است، همه‌ی آن چیزی است که از آزادی در چهار روزنامه‌ی مورد مطالعه می‌بینیم. نویسنده اما در ادامه‌ی همین ادعا نویسنده طیف علما را به کهنه پرستی متهم کرده و تأکید می‌کند: «اگر همه‌ی اهل ایران هم با شما آقایان کهنه پرست هم عقیده باشند، جمعیتان بالغ بر سی کرور نفر نخواهد شد، سه هزار و یکصد کرور آدم‌های دنیا که تمام با عقاید ما شریک‌اند شما را خواه و ناخواه مجبور به قبول این اصول مسلمه خواهند کرد.» به عبارت دیگر نویسنده پس از نوشتن سه صفحه روزنامه درباره‌ی «آزادی در اتخاذ و ابراز عقیده» مخالفانش را ولو تمام اهل ایران باشند، تهدید می‌کند که باید به آنچه او اعتقاد دارد، معتقد شوند وگرنه حذف خواهند شد! در همه‌ی ۱۱۱ شماره چهار روزنامه تنها مطلب مستقلی که درباره‌ی حریت یا همان آزادی دیده می‌شود، همین مقاله است و آن هم سراسر ابهام و نامعلوم. این روزنامه‌ها به جای باز

کردن مباحث جدید درباره‌ی آزادی و ترویج مباحث علمی، از آنجاکه توان مقابله با شیخ و رهبران مذهبی را نداشتند به او حمله می‌کردند.

آدمیت در توصیف این گروه می‌نویسد: «اجتماعیون ما در تفکر سیاسی دارای معلومات عمیقی نبودند، و در اندیشه‌ی رادیکالیسم انقلابی مایه‌ی علمی نداشتند... پایه فرهنگ سیاسی ایشان را نوشته‌های روزنامه‌های قفقاز می‌ساخت و در جهت فکر انقلابی هم توجهشان معطوف به حوادث دوره‌ی ترور انقلاب فرانسه بود.» (آدمیت، ۱۳۷۰، ۱۱۰)

۷-۱۱. توهین به علما و روحانیون فعال

طیف اقلیت در رسانه‌های خود از جمله چهار روزنامه‌ی مورد مطالعه، اولاً تلاش داشتند مرجعیت تام و تمام شیعه حتی در مقولات سیاسی را به حوزه‌ی نجف منتقل کرده و با استفاده از فاصله‌ی جغرافیایی که بین نجف و تهران هست ظاهری حامی و مدافع اسلام به خود بگیرند. ثانیاً نسبت به امثال شیخ فضل‌الله نوری رویکرد منتقدانه و حتی تخریب‌گرانه اتخاذ کرده و مطالب فراوانی علیه آن‌ها منتشر کنند. این در حالی بود که شیخ فضل‌الله در ابتدا از حامیان مشروطه بودند و در همه‌ی امور با مشروطه‌خواهان همکاری کرد. حبل‌المتین صوراسرافیل، مساوات و روح‌القدس هم در ابتدا این علما را «مؤسس و بانی اساس آزادی ملت از اسارت» (روزنامه‌ی مساوات، شماره‌ی ۴، صفحه‌ی ۲) می‌دانستند. این سه روزنامه پس از آنکه مطمئن شدند نمی‌توانند شیخ فضل‌الله را تطمیع یا مرعوب کنند تلاش کردند چهره شیخ فضل‌الله را در میان مردم مخدوش کنند. علاوه بر همه‌ی این‌ها، روزنامه‌ها تلاش داشتند شیخ را در نظر علمای نجف، عامل اصلی بدبختی مردم و مجری نشدن مشروطه قلمداد کنند. امثال سید اسدالله خرقانی هم رقم خوردن این فضا را تسهیل می‌کردند.

۸-۱۱. بی‌توجهی به استعمار

مرور مقالات مندرج در روزنامه‌های چهارگانه نشان می‌دهد ابعاد حکومت مشروطه برای شخصیت‌هایی مثل صوراسرافیل، مساوات و روح‌القدس هم چندان روشن نبوده است. این روزنامه‌ها از طرفی در مورد اهمیت حذف استبداد قلم می‌راندند و از طرفی علیه استعمار که در برهه‌ای حتی تا پشت دروازه‌های تهران رسیده بود، چندان تمایلی به نگاشتن نداشتند. این بی‌توجهی

به استعمار با وجود آگاهی آن‌ها از وضعیت نابسامان اقتصادی از دو حالت خارج نبوده است: یا فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران این دوره متوجه عمق نفوذ اقتصادی و سیاسی استعمار نبوده و نمی‌دانند که علت اصلی افلاس اقتصادی ایران در حقیقت فعالیت دو بانک اصلی در کشور است و یا اینکه با علم به این ماجرا تلاش دارند اذهان عمومی را منحرف سازند و ایران را هم به یکی از چرخ‌دنده‌های لیبرال سرمایه‌داری جهانی تبدیل کنند، اتفاقی که در مجلس دوم عملاً رخ داد و در سال‌های جنگ جهانی، سرزمین ایران صرفاً نقش گذرگاهی برای تشریک‌مساعی انگلیس و روسیه شده بود. (آبادیان، ۱۳۸۳)

۹-۱۱. رها کردن مسائل اصلی و پرداختن به جزئیات

در تمام طول دوره‌ی مشروطه‌ی اول، آنچه بیش از همه مظلوم واقع شد، خود «مشروطه» بود. روزنامه‌ها در این دوره می‌توانستند با ایفای نقش روشنگری و پرداختن به اصل و بنیان مشروطه، این نوع از حکومت را برای مردم تشریح کنند. نسبت بین قانون اساسی و شرع، نسبت بین مجلس و سلطنت، نسبت بین قانون اساسی و سلطنت، تفاوت سلطنت و حکومت، تجربه تغییر حاکم به سلطان در جوامعی مانند انگلیس و فرانسه، وظایف و ویژگی‌های نمایندگان ملت، جایگاه مجلس در پیشبرد امور، وظایف و ویژگی‌های دولت، مهم‌ترین مسائل کشور و بسیاری دیگر از موضوعات اساسی را روزنامه‌ها می‌توانستند با انتشار مقالات متعدد برای مردم روشن کنند. به‌ویژه آنکه در این ماه‌های ابتدایی دوره نوعی اقبال عمومی هم به آنچه روزنامه‌ها منتشر می‌کردند وجود داشت. صوراسرافیل حدود ۱۰ شماره از خود را به سرمقاله‌ای اختصاص داد که مسئله اصلی‌اش گرفتن زمین ملاکین و واگذاری آن به رعیت و در نتیجه افزایش هرج و مرج اجتماعی بود. آن‌هم در حالی که ۱۰ ماه پس از پیروزی مشروطه دولت علیه هنوز بودجه‌ی مشخصی نداشت و پروژه‌ی مهمی چون بانک ملی با کارشکنی‌های انگلیس به شکست انجامیده بود و طبق توافق ۱۹۰۷ ایران بین روس و انگلیس تقسیم شده بود. با وجود این باید انصاف داد که حیل‌المتین در این فقره نسبت به دیگر جراید فعال‌تر بود و قبل، حین و پس از مذاکرات دو دولت و امضای قرارداد نقدهای متعدد درباره‌ی آن منتشر کرد. (یافته‌های پژوهش)

نتیجه گیری

بررسی و تحلیل محتوای منتشرشده در مهم‌ترین روزنامه‌های صدر مشروطه به روش تحلیل محتوا، نشان می‌دهد، روزنامه‌های این دوره در کنار نقش جدی که در بیدار کردن طبقه‌ی نخبه جامعه داشته‌اند، توانسته‌اند بستر توسعه‌ی سیاسی متناظر با نظام جدید حکومتی را فراهم کنند. ادبیات حاکم بر این روزنامه‌ها بیش از هر چیز موضوعات سیاسی را پوشش می‌داده (روح‌القدس: ۶۷ درصد، جبل‌المتین: ۶۳ درصد، مساوات: ۵۸ درصد و صوراسرافیل: ۵۱ درصد) و همین ماجرا به سیاسی شدن هرچه بیشتر جامعه‌ی هدف آن‌ها و آشنایی با ادبیات سیاسی مدرن منجر شده است، چراکه روزنامه‌ها در صدر مشروطه با اقبال نسبتاً عمومی حداقل در شهرهای اصلی کشور مواجه بوده‌اند.

باوجوداین، می‌توان ادعا کرد که این روزنامه‌ها در انجام مهم‌ترین رسالت خود که طبق ادعای خودشان توسعه‌ی فرهنگی و توسعه‌ی فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه، متناظر با نظام سازی جدید بوده است چندان توفیقی نداشته‌اند و حتی برعکس ادعای خودشان دچار کژ کارکردی شده‌اند. علت اصلی این کژ کارکردی را باید در رویکرد اتخاذی این جراید یا همان نگاه آن‌ها به عناصر هویتی جامعه دانست. نگاه اصلی روزنامه‌های صدر مشروطه به عناصر هویتی جامعه انتقادی و حتی اهانت‌آمیز بوده است. مساوات: ۸۴ درصد، صوراسرافیل: ۷۵ درصد، روح‌القدس: ۹۱ درصد و جبل‌المتین: ۴۰ درصد محتوای تحلیلی خود را با رویکرد انتقادی تنظیم کرده‌اند. این انتقادات در بسیاری مواقع به‌ویژه در قبال پادشاه، دربار و علمای مقیم ایران (به‌ویژه شیخ فضل‌الله و مجتهد تبریزی) همراه با توهین و تحقیر است. در مقابل، چهار روزنامه‌ی موردبررسی در مطالب تحلیلی خود درباره‌ی مشروطیت و اجزای آن روشنگری چندان‌ی انجام نمی‌دهند. صوراسرافیل: ۱۴ درصد، مساوات: ۵ درصد و روح‌القدس: ۹ درصد محتوای تحلیلی خود را به مطالب روشنگرانه اختصاص داده‌اند. برخلاف این سه روزنامه مقابل جبل‌المتین اگرچه تنها ۱۲ درصد محتوای تحلیلی خود را به تشریح و توضیح درباره‌ی ابعاد و کیفیت مسائل سیاسی پرداخته اما در ۴۲ درصد از مطالبش پیشنهادهای عملیاتی و مفیدی به دولت و مجلس ارائه داده و همین باعث شده تا در مجموع نسبت به دیگر روزنامه‌ها نگاه معقولانه‌تری در تولیدات خود داشته باشد.

به این ترتیب می‌توان گفت که سه روزنامه‌ی صوراسرافیل، مساوات و روح‌القدس علیرغم همه‌ی مزایایی که داشتند در مجموع زمینه را برای رادیکال شدن فضا و ورود سخت‌گیرانه‌ی محمدعلی شاه فراهم کردند. همچنین این روزنامه‌ها با توهین‌های بی‌شمار به علمای مقیم داخل از جمله شیخ فضل‌الله نوری و علمایی که رویکرد منتقدانه نسبت به مشروطه داشتند، زمینه را برای دوقطبی شدن فضا و کناره‌گیری مردم از مشروطه آماده کردند.

حبل‌المتین اما با وجود آزادی مطلق که داشت مواضع خود در قبال شاه را بسیار معتدلانه اتخاذ می‌کرد و می‌توان گفت او در علنی شدن ضدیت شاه با مشروطه نقش چندانی نداشته است. اگرچه این روزنامه هم نسبت به علمایی مثل شیخ فضل‌الله مواضع معدود اما تند گرفته است. می‌توان نتایج پژوهش را به شکل زیر فهرست کرد:

الف) همان‌گونه که در فرض پژوهش ذکر شد سران روشنفکری نسبت به عناصر هویتی جامعه در دوره‌ی صدر مشروطه نگاهی به‌شدت انتقادی و حتی استهزاگونه داشته و تلاش داشته‌اند تا با به‌تمسخر گرفتن این عناصر مردم را نسبت به آن‌ها بدبین کنند. ضدیت با علمایی مثل شیخ فضل‌الله، تمسخر مناسکی چون بست‌نشینی، تفکر ظل‌اللہی، مسائلی مانند شفاعت و توکل، تاریخ تمدن اسلامی، شیعه‌گرایی، باورهای ضد استکباری، پابندی به رسومات مختلف و دیگر باورهایی که جزو عناصر هویتی جامعه‌ی ایرانی بوده‌اند، بارها و بارها مورد توهین، تخریب و استهزاء نویسندگان چهار روزنامه به‌ویژه سه روزنامه‌ی صوراسرافیل، مساوات و روح‌القدس قرار گرفته‌اند. از آنجا که جامعه‌ی ایرانی جامعه‌ای مذهبی و نسبت به علمای خوش‌نام حساس است، توهین‌ها به این دسته از علما زمینه را برای فاصله گرفتن مردم از روشنفکران و تنها ماندن آن‌ها فراهم کرد.

ب) سه روزنامه‌ی صوراسرافیل، مساوات و روح‌القدس نسبت به روزنامه‌ی حبل‌المتین در همه‌ی شماره‌های خود مواضع تندتر و مخربانه‌تری در قبال هر نهادی غیر از مجلس داشته‌اند. عملکرد این روزنامه‌ها نسبت به مجلس هم با توجه به نمایندگان مختلف متفاوت بوده است. همچنین به‌جز حبل‌المتین سه روزنامه‌ی صوراسرافیل، مساوات و روح‌القدس، با اتخاذ مواضع تند و گاهی مخرب علیه شخص شاه بهانه‌ی ورود دیکتاتورانه‌ی محمدعلی شاه به دست او داده‌اند.

ج) به جز جبل‌المتین که پاره‌ای مقالات پیشنهادی و تجارب کشورهای اروپایی در موضوعاتی همچون ایجاد ارتش قوی منتشر می‌کرده است، سه روزنامه‌ی دیگر خالی از مقالات تحلیلی عمیق و اندیشه‌ای هستند. این در حالی است که هر سه روزنامه در شماره‌های اول، هدف خود را کمک به بیداری ملت و آشنایی آن‌ها با «نظام مقدس مشروطه» عنوان کرده‌اند.

د) مرور مطالب چهار روزنامه‌ی موردبررسی نشان می‌دهد حتی سران روشنفکری در دوره‌ی صدر مشروطه نسبت به این نظام غریبه بوده‌اند و تصور چندانی از اتفاقاتی که پس از تغییر نظام رخ داده است نداشته‌اند. اولاً در هیچ کدام از این روزنامه‌ها مقاله یا یادداشتی عمقی درباره‌ی ابعاد این ساختار حکومتی پیدا نمی‌شود. ثانیاً معدود مقالاتی هم که تلاش داشته است به این مقوله ورود کند، در سطح باقی مانده و در نهایت برخی آثار مشروطه را صرفاً روایت و نه تحلیل کرده است. مقالات «آزادی» دهخدا در صوراسرافیل و «مساوات» سید محمدرضا شیرازی در مساوات نمونه‌ی این مقالات هستند.

ه) هرج و مرج ناشی از فعالیت روزنامه‌های صدر مشروطه به‌ویژه سه روزنامه‌ی صوراسرافیل، مساوات و روح‌القدس و همچنین مدیران این روزنامه‌ها زمینه را برای خسته و سرخورده شدن مردم فراهم کرده و این در جای خود باعث فاصله گرفتن مردم از عناصر اصلی قیام گردید. آثار این جدایی مردم را می‌توان در حمله‌ی اول و دوم به مجلس شورای ملی مشاهده کرد. در هردو حمله‌ی انجام شده تنها انجمن‌ها که نیروهای مسلح داشتند از مجلس دفاع کردند و خبری از مردمی که خود برای تأسیس عدالتخانه به خیابان آمده بودند نبود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. آبادیان. حسین (۱۳۸۳)، بحران مشروطیت در ایران، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
 ۲. آدمیت. فریدون (۱۳۸۸)، مجلس اول و بحران آزادی، تهران: روشنگران.
 ۳. براون. ادوارد. ج (۱۳۷۶)، انقلاب مشروطیت ایران، مه‌ری قزوینی، تهران: کویر.
 ۴. براون. ادوارد، ج (۱۳۴۱)، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، رضا صالح‌زاده، تهران: کانون معرفت تهران.
 ۵. تافلر، ا. (۱۳۷۲). موج سوم (شهیندخت خوارزمی)، تهران: سیم‌رغ.
 ۶. ترکمان. محمد (۱۳۶۲)، رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات و...، شهید شیخ فضل‌الله نوری، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
 ۷. خامنه‌ای. سید علی (۱۳۹۶)، دغدغه‌های فرهنگی، قم: موسسه ایمان جهادی.
 ۸. رضوانی. هما (۱۳۶۲)، لویج آقا شیخ فضل‌الله نوری، تهران: نشر تاریخ.
 ۹. زورق. محمدحسین (۱۳۹۲)، ارتباطات و آگاهی جلد ۱، تهران: نشر سروش.
 ۱۰. صدر هاشمی. محمد (۱۳۶۳)، تاریخ جراید و مجلات ایران ۴ جلد، تهران: انتشارات کمال.
 ۱۱. کمره‌ای. سید محمد (۱۳۸۲)، روزنامه‌ی خاطرات، به کوشش محمد جواد مرادی نیا، تهران: شیرازه.
 ۱۲. مجد الاسلام کرمانی. احمد (۱۳۵۱)، تاریخ انحطاط مجلس، تهران: دانشگاه اصفهان.
 ۱۳. محیط طباطبایی. سید محمد (۱۳۶۶)، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران: بعثت و شعبات تابعه.
 ۱۴. مستوفی. عبدالله (۱۳۹۹)، شرح زندگانی من (۳ جلد)، تهران: زوار.
 ۱۵. ملک‌زاده. مهدی (۱۳۸۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت، تهران: سخن.
 ۱۶. هدایت، مهدی قلی (۱۳۶۳)، گزارش ایران، به اهتمام علی صوتی، تهران: نقره.
- مقالات:
۱. محمدزاده. محمدجعفر (۱۳۹۴)، افراط و تفریط در مطبوعات دوره مشروطه (آسیب‌شناسی رویکردهای انتقادی در نشریات صوراسرافیل، حبل‌المتین، قانون، تمدن و مجلس)، مجله مطالعات رسانه و امت، سال دوم، شماره ۳
- روزنامه‌ها:
۱. روزنامه‌ی روح‌القدس، شماره‌ی اول، تهران
 ۲. روزنامه‌ی مساوات، شماره‌ی ۱۶، تهران
 ۳. روزنامه‌ی صوراسرافیل، شماره‌ی ۱۲، تهران
 ۴. روزنامه‌ی مساوات، شماره‌ی ۲۵، تهران
 ۵. روزنامه‌ی مساوات، شماره‌ی ۲، تهران
 ۶. صوراسرافیل، شماره‌ی ۲۳، تهران
 ۷. روزنامه‌ی